

نقد ربای تولیدی

○ رضا محمدی کرجی

چکیده

یکی از مسائل حائز اهمیت در حوزه اقتصاد اسلامی که امروزه مورد ابتلای اکثر مسلمانان است، مسئله رباست. برخی اندیشمندان، ربای قرضی را به دو نوع ربای استهلاکی مصرفی و ربای تولیدی تقسیم کرده و نوع تولیدی آن را جایز شمرده‌اند. اینان با تمسک به ادله‌ای، معتقدند آنچه در اسلام حرام شده، ربای مصرفی است، نه تولیدی؛ در نتیجه، هر نوع قرض ربوی که برای سرمایه‌گذاری، تجارت، ساخت و ساز و غیر اینها باشد، جایز خواهد بود. چنانچه پژوهش‌های علمی و مطالعات فقهی نویسنده با استناد به آیات و روایات، ادله این ادعا را نقد و بررسی کرده است و اثبات می‌کند که این نوع ربا، امر جدیدی نیست و در عصر پیامبر اسلام نیز وجود داشت و ربای قرضی چه به صورت مصرفی و چه به صورت تولیدی حرام است.

کلید واژه‌ها: ربا، ربای قرضی، ربای استهلاکی (مصرفی)، ربای تولیدی (انتاجی)، ظلم، قرض.

*

مقدمه

ربا یکی از محرّمات قطعی دین اسلام است؛ چنان که بعضی از فقها مثل صاحب جواهر حرمت آن را از ضروریات دین مبین اسلام می دانند (نجفی، ج ۲۳، ص ۳۳۲). البته اصل ربا در دین یهود (عهد قدیم، سفر تثنیه: ۲۳: ۱۹-۲۰ و سفر خروج: ۲۲: ۲۵) و در دین مسیحیت (انجیل لوقا ۶: ۳۵ و ۳۶) و بلکه طبق روایاتی از امام رضا (ع) (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۳۱، ح ۷) در تمام ادیان آسمانی حرام است.

تعریف لغوی و اصطلاحی ربا

در لغت چندین معنا برای ربا ذکر کرده اند؛ از جمله: زیادت، ارتفاع، نشأ (فراهیدی، ۲۸۳/۸ و الجوهری، ج ۶، ص ۲۳۴۹) که همه اینها به یک معنا بر می گردد که همان زیادت است ولی «زیادة كل شيء بحسبه؛ زیادت هر چیز، به تناسب همان است».

در اصطلاح، فقها دو معنا برای «ربا» ذکر کرده اند:

۱. زیاده یکی از عوضین در معامله یا در قرض (زیادة أحد العوضین المتماثلین المقدرین بالکیل أو الوزن وفي غیر المقدرین قرضاً: محقق کرکی، ج ۴، ص ۲۶۵؛ محقق اردبیلی، ج ۸، ص ۴۵۱).
۲. بیع یکی از متماثلین وزنی یا کیلی به دیگری با زیاده ای در یکی از آنها و یا قرض یکی از آنها با زیاده (بیع أحد المتماثلین المقدرین بالکیل أو الوزن بالآخر مع الزیادة فی أحدهما حقیقة أو حکماً، أو اقتراض أحدهما مع الزیادة: محقق بحرانی، ج ۱۹، ص ۲۱۴).

از روایاتی که کلمه «اکل» را در مورد ربا به کار برده اند، معلوم می شود که همان معنای اول درست است؛ چرا که اکل با زیاده تناسب دارد، نه با بیع، و

تناسب زیاده با معنای لغوی می تواند مؤید این مطلب باشد. بنابراین معنای اصطلاحی و شرعی ربا، یکی از معانی لغوی و عرفی آن است؛ یعنی زیاده خاصی که شرایط خاصی هم دارد.

انواع ربا

ربا انواعی دارد:

۱. ربای معاملی: این نوع ربا در صورتی است که کالایی از سنخ مکیل یا موزون، به همان کالا به شرط زیاده فروخته شود؛ مثلاً یک کیلو گندم به دو کیلو گندم فروخته شود (نجفی، ج ۲۳، ص ۳۳۴) که در این مقاله به این نوع ربا نمی پردازیم.

۲. ربای قرضی: ربای قرضی در جایی صدق می کند که مالی را به کسی قرض بدهد، به شرط زیاده؛ مثلاً یک میلیون ریال به کسی قرض بدهد، به شرط اینکه یک میلیون و یک صد هزار ریال باز پس بگیرد (همان).

بعضی از اندیشمندان ربای قرضی را به دو نوع تقسیم کرده اند:

الف) ربای استهلاکی: در جایی است که مالی را به شرط زیاده از کسی می گیرد تا در هزینه های زندگی خود صرف کند.

ب) ربای تولیدی: در جایی متصور است که شخص ثروتمند برای سرمایه گذاری، تجارت، ساخت و ساز و غیر آن نیاز به تکمیل سرمایه دارد. لذا از دیگران مبالغی را برای سرمایه گذاری قرض می کند، ولی به شرط زیاده؛ یعنی مبلغی را به عنوان سود تعیین می کند که در پایان مهلت به قرض دهنده پردازد (رفیق المصری، ص ۲۶۰).

تاریخچه بحث ربای تولیدی

تا یک قرن پیش در دنیای اسلام این تقسیم بندی در ربای قرضی وجود نداشت.

اولین کسانی که در اسلام بین ربای تولیدی و ربای استهلاکی تفاوت قائل شدند، برخی از اندیشمندان اهل تسنن مصر بودند^۱ که حرمت ربا را شامل ربای تولیدی نمی دانستند. رفیق یونس المصری (ربا القروض و ادلة تحریمه، ص ۳۲) نویسنده گانی را نام می برد که نظریه جواز ربای تولیدی را نقد کرده اند. یکی از آنها دکتر فضل الرحمن است که کتاب ایشان به زبان انگلیسی در سال ۱۹۵۸ به چاپ رسید و سپس در سال ۱۹۶۸ با عنوان «مبحث تحلیلی حول الربا التجاري» به عربی ترجمه شد. سپس خود رفیق المصری در دو کتاب خویش به این تقسیم بندی اشاره می کند و پس از بررسی ربای تولیدی و استهلاکی، هر دو را حرام می داند (الجامع فی اصول الربا، ص ۲۶۰؛ مصرف التنمية الاسلامی، ص ۲۷۸-۲۷۷)

در دنیای مسیحیت، نخستین عالم مسیحی که از وجود بهره در قرض های تولیدی دفاع کرد، کالوین (۱۵۰۹-۱۵۶۴م) است (رفیق یونس المصری، مصرف التنمية الاسلامی، ص ۱۱۷).

شهید مطهری نیز در کتاب مسئله ربا و بانک، با اشاره به تفاوت گذاری مصری ها بین ربای تولیدی و استهلاکی، این مسئله را بررسی می کند و ربای تولیدی را نیز حرام می داند. (مطهری، مسئله ربا و بانک، ص ۱۶-۶۲). در تقریرات درس اقتصاد شهید مطهری در مدرسه مروی نیز قرض به دو نوع مصرفی و تولیدی تقسیم می شود و در نهایت می فرماید: «ظاهر این است که دلیل حرمت ربا عقلاً و نقلاً شامل قرض های تولیدی هم می شود» (مطهری، یادداشت های استاد مطهری، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۰).

اخیراً معدودی از فضلاء معاصر شیعه نیز به جمع طرف داران جواز ربای تولیدی پیوسته اند، از جمله آیت الله محمد هادی معرفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۷۵/۱۱/۲۷ صفحه ۷ معارف اسلامی)، و آیت الله یوسف صانعی (ربای

۱. ر. ک: موسویان، مقاله.

تولیدی، ص ۲۸) و آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی (مجموعه مقالات، ص ۴۳۳). اگر چه آقای بجنوردی به ربای تولیدی تصریح نکرده، ولی تعلیلی که ذکر کرده، حلیت ربای تولیدی را می‌رساند.

نقدهایی هم تا کنون در مورد این نظریه نوشته شده است که قوی‌ترین آنها مقاله سیدعباس موسویان با نام «ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری» است.

در مقاله حاضر، به بررسی تمام زوایای مسئله ربای تولیدی و ارائه استدلال‌ات جدیدی برای نقد ادله قائلان به حلیت آن خواهیم پرداخت؛ چرا که نوع اول ربا یعنی ربای استهلاکی و مصرفی یقیناً حرام است و هیچ کس در حرمت آن تردید نکرده است، علاوه بر اینکه بعضی از ادله تحریم ربا ظهور در ربای استهلاکی دارند. در بحث ربای قرضی عمده فقها بر این باورند که ادله تحریم ربا مطلق است و شامل ربای تولیدی هم می‌شود، ولی عده‌ای با این نظر مخالف بوده و ادله‌ای را برای جواز ربای تولیدی و تجاری ارائه کرده‌اند.

ادله جواز ربای تولیدی را می‌توان در پنج دلیل عمده گنجانده که اینک هر یک از این ادله را نقل و سپس نقد می‌کنیم:

ادله جواز ربای تولیدی و نقد آن

دلیل اول

انصراف ادله تحریم ربا به ربای استهلاکی به دلیل عدم وجود ربای تولیدی در عصر نزول:

در توضیح این دلیل گفته‌اند:

از تفاسیر و کتب روایی و تاریخی به دست می‌آید که در زمان نزول آیات قرآن، ربای استهلاکی رواج داشته است...، لیکن امروزه صورتی دیگر برای ربا متصور است که به ندرت در گذشته یافت می‌شود و از مختصات

زندگی پیشرفته امروزی است و آن اینکه شخص ثروتمند جهت سرمایه

گذاری اقتصادی ... برای تکمیل سرمایه قرض می‌گیرد و در مقابل آن

زیادتی شرط می‌کند. (صانعی، ربای تولیدی، ص ۲۹-۳۰).

ایشان در جای دیگر می‌گویند: «بنده مدعی هستم این اطلاقات (حرمت ربا)،

منصرف به قرض‌های متعارف در آن روز است» (درس خارج، جلسه ۵/۱۳).

بنابراین اطلاقات حرمت ربا شامل ربای تولیدی نمی‌شود.

نقد و بررسی

در جواب باید گفت که اولاً، شارع در مقام ثبوت، یا موضوع مورد نظر خود

را مطلق فرض می‌کند یا مقید؛ چون اهمال معنا ندارد، و مقام اثبات کاشف از مقام

ثبوت است؛ یعنی اگر در مقام اثبات قید آورد، می‌فهمیم که در مقام ثبوت مقید

فرض کرده و اگر قید نیاورد، متوجه می‌شویم که مطلق فرض کرده است. این قید

می‌تواند لفظی و یا ارتکازی باشد.

در بحث ما، قید لفظی برای حرمت ربا نداریم و قید ارتکازی را هم اگر ثابت

کنید فبها، والا کمتر و یا بیشتر بودن مصداق خارجی نمی‌تواند مقید باشد؛ زیرا حکم

در مطلق روی عنوان می‌رود (به خلاف عام که روی افراد می‌رود) و حکمی که روی

عنوانی می‌رود، اصلاً به خارج کاری ندارد که مصداقی وجود دارد یا ندارد.

بله، چیزی که می‌تواند مقید باشد، انس ذهنی است که از کثرت استعمال به

دست می‌آید و در ربا هم این قابل اثبات نیست که در آن زمان کلمه ربا در ربای

استهلاکی به حدی کثرت استعمال داشته که انس ذهنی به وجود آمده باشد.

بنابراین مصداق خارجی نمی‌تواند باعث انصراف شود؛ زیرا در غیر این

صورت باب اطلاق و اطلاق‌گیری بسته می‌شود؛ مثلاً اطلاق ادله عقود هم باید

منصرف به عقود آن زمان باشد؛ در حالی که فقها از اطلاق این ادله برای صحت

عقود مستحدثه مثل بیمه و ... استفاده می‌کنند.

ثانیاً، در عصر نزول آیات ربا، ربای تولیدی نیز وجود داشته است. برخی از نویسندگان برای اثبات این مطلب به روایات باب مضاربه (وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۵) تمسک کرده‌اند (نقد و بررسی نوآوری‌های فقهی معاصر، ص ۷۹-۸۷ و مقاله موسویان، ص ۵۳)؛ در حالی که وجود مضاربه در آن زمان، فعالیت اقتصادی و تجارت با سرمایه دیگران را ثابت می‌کند، ولی تجارت با سرمایه را دیگران با ضمانت سود و اصل سرمایه را (که مورد ربای تولیدی است) ثابت نمی‌کند. به همین دلیل، به روایات دیگری استناد می‌کنیم که در مورد ربای تولیدی هستند که حتی اگر جعلی باشند، باز وجود ربای تولیدی در آن زمان را ثابت می‌کنند؛ زیرا همین که این روایات در آن زمان جعل شده‌اند، ثابت می‌کنند که چنین ربایی در آن زمان وجود داشته است.

این روایات عبارت‌اند از:

۱. روایت علی بن جعفر:

علي بن جعفر في كتابه عن أخيه (ع)، قال: وسألته عن رجل أعطى رجلاً مائة درهم يعمل بها على أن يعطيه خمسة دراهم أو أقل أو أكثر هل يحل ذلك؟ قال: هذا الربا محضاً (وسائل الشیعة، ۱۲/۴۳۷ باب ۷ از ابواب الربا، ح ۷).

طبق مبنای مشهور سند آن صحیح است، ولیکن طبق مبنایی که طریق صاحب وسائل را تشریفاتی می‌داند، سند مشکل خواهد داشت.

در روایت مذکور دو جهت آمده است: ۱. کسی سرمایه‌ای را به دیگری داده که با آن کار کند؛ ۲- شرط زیاده کرده است (علی آن يعطيه ...)؛ یعنی پولی را به عنوان سرمایه گذاری داده و شرط زیاده هم کرده است که با ربای تولیدی تطابق دارد. امام (ع) در جواب می‌فرماید: این ربای محض است. موضوع مورد سؤال در این روایت ثابت می‌کند که ربای تولیدی در آن زمان رایج بوده است.

۲. روایت اسحاق بن عمار:

محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن موسی بن سعدان عن الحسین بن ابی العلاء عن اسحاق بن عمار عن ابی الحسن (علیه السلام) قال: سألته عن الرجل یكون له مع رجل مال قرضاً فیعطیه الشیء من ربحه مخافة ان یقطع ذلك عنه فیأخذه ماله من غیر ان یكون شرط علیه، قال: لا بأس بذلك [به] ما لم یکن شرطاً.

ورواه الشیخ باسناده عن محمد بن یعقوب و رواه الصدوق باسناده عن اسحاق بن عمار نحوه. (وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۱۰۴، باب ۱۹ از ابواب الدین، ح ۳).

در سند کلینی (قدس سره)، موسی بن سعدان وجود دارد که توثیق ندارد، ولی از طریق صدوق (قدس سره) سند صحیح است، ولی متن آن کمی متفاوت است و نمی تواند مربوط به بحث ما باشد. به هر حال، همان طور که گفتیم، مشکل سندی تأثیری در این بحث ندارد.

دلالت آن بر ما نحن فیه روشن است؛ کسی با پول دیگری کار می کرده و مقداری از سودش را بدون شرط به صاحب سرمایه می پرداخته است، امام می فرماید مادامی که شرط نکرده اند، اشکال ندارد. مفهومش آن است که اگر شرط کنند، این سود اشکال دارد. پس ربای تولیدی جایز نیست؛ چون در آن شرط می کنند.

۳. روایت عبدالملک بن عتبة:

محمد بن یعقوب عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن ثعلبة بن میمون عن عبد الملک بن عتبة قال: قلت: لا أزال أعطی الرجل المال فیقول: قد هلك أو ذهب، فما عندك حيلة تحتالها لی؟ فقال: أعط الرجل الف درهم أقرضها إیاه و أعطه عشرين درهماً یعمل بالمال كله، و یقول: هذا رأس مالي و هذا رأس مالک، فما أصبت منهما جميعاً فهو بینی و

بینک، فسالت أبا عبد الله (عليه السلام) عن ذلك، فقال: لا بأس به (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۴، باب ۲ از ابواب احکام المضاربة، ح ۱ و نیز ر.ک: ح ۲ و ۳ و ۴).

چند روایت بعدی این باب نیز به همین مضمون است.

سند این روایت اشکال دارد؛ چون عبد الملک با توجه به روایت سوم، «عبد الملک هاشمی» است که توثیق ندارد، و بر فرض اینکه مطلق باشد، مردد بین ثقة و غیر ثقة است. پس در هر دو صورت سند، مشکل دارد.

دلالت روایت بر ما نحن فیه نیز روشن است؛ زیرا اگر ربای تولیدی حلال بود، نیازی نبود که آن شخص متوسل به حیله شود. پس چون ربای تولیدی اشکال داشته، سائل به حیله رو آورده است و امام (ع) آن را جایز دانسته است.

۴. روایت محمد بن قیس:

محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي نجران عن عاصم بن حمید عن محمد بن قیس عن ابي جعفر (عليه السلام) في حديث انّ علیاً (عليه السلام) قال: من ضمن تاجراً فليس له إلا رأس ماله [المال] وليس له من الربح شيء (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۶، باب ۴ از ابواب احکام المضاربة، ح ۱).

این روایت در مورد مضاربه است و سند آن تام است. حقیقت قرض، تملیک به ضمان است و در اینجا هم تاجر را ضامن کرده است و امام (ع) فرموده است: اگر صاحب سرمایه، تاجر را ضامن کرده است، همه سود برای تاجر است. این در حالی است که در مضاربه ضامن بودن تاجر خلاف مقتضای عقد است. بنابراین معلوم می شود که منظور روایت، قرض است و از اینکه فرمود سود آن به مالک نمی رسد، معلوم می شود که این قرض سود آور بوده و ربای تولیدی منظور است.

۵. روایت هذیل بن حیان صیرفی :

محمد بن یعقوب عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد و سهل بن زیاد
 جميعاً عن ابن محبوب عن هذيل بن حيان - أخي جعفر بن حيان الصيرفي -
 قال : قلت لأبي عبد الله (عليه السلام) : إني دفعت إلى أخي جعفر مالاً [كان
 لي] أفهو يعطيني ما أنفق و أحج منه و أتصدق ، وقد سألت من قبَلنا^۲ فذكروا أن
 ذلك فاسد لا يحل ، و أنا أحب أن أنتهي إلى قولك ، فقال لي : إكان يصلحك
 قبل أن تدفع إليه مالك ؟ قلت : نعم . قال : خدمته ما يعطيك فكل منه واشرب
 وحج و تصدق ، فإذا قدمت العراق فقل : جعفر بن محمد أفتاني بهذا (وسائل
 الشيعة، ج ۱۳، ص ۱۰۳، باب ۱۹ از ابواب الدين والقرض، ح ۲).

هذیل بن حیان توثیق ندارد، لذا سند مشکل دارد، مگر طبق برخی مبانی که
 ابن محبوب را از اصحاب اجماع می دانند و طبق این مبنا توثیق عام دارد.
 ظاهر روایت آن است که مال مورد نظر، قرض استهلاکی نبوده؛ چون
 برادرش صیرفی (صراف) و ثروتمند بوده است، بلکه برای تجارت قرض گرفته
 است. بنابراین مورد روایت ربای تولیدی است و امام (ع) بعد از استفسار تفصیل
 می دهد و می فرماید که اگر قبل از اینکه به برادرت قرض بدهی، باز به تو صله
 می داده است، حالا هم اشکال ندارد.

در هر حال از مجموع این روایات، اطمینان حاصل می شود که چنین
 مضمونی از امام (ع) صادر شده است. حتی اگر همه این روایات جعلی باشند، باز
 ثابت می کنند که ربای تولیدی در آن زمان وجود داشته است؛ زیرا جاعل، چیزی
 را جعل می کند که قابل فهم و پذیرش برای دیگران باشد.

دلیل دوم

ظهور برخی آیات و روایات تحریم ربا در ربای استهلاکی: قائلان به جواز

۲. یعنی از اطرافیان و از اهل سنت پرسیدم.

ربای تولیدی این دلیل را به دو صورت بیان کرده اند. در یک بیان از آیه «احلّ الله البيع و حرّم الربا» استفاده کرده اند و در بیان دوم، به آیات و روایاتی که بعد از تحریم ربا سفارش به صدقه و انفاق می کنند، استناد جسته اند.

بیان اول: براساس آیه «احلّ الله البيع و حرّم الربا» می گویند این آیه در جواب رباخواری است که گفتند بیع مثل ریاست. خداوند به آنها پاسخ تعبدی نمی دهد؛ زیرا قرآن همیشه به هنگام بیان احکام خود تلاش می کند مخاطب را قانع سازد در اینجا نیز در بیان تفاوت بیع و ربا مردم را به ارتکاز خودشان فرا می خواند و این بدان معناست که خود مردم درک می کنند اگر کالایی را با اندکی زیاده به صورت نسیه بفروشند یا به شرط زیاده قرض بدهند، این دو با هم متفاوت اند؛ چرا که صورت دوم قبیح است و از گرفتاری و فقر و ناتوانی ضعیفان سوء استفاده می شود. با این توضیح این آیه فقط شامل ربای استهلاکی می شود. (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۳۲-۳۶)

بیان دوم: در کنار برخی از آیات تحریم ربا، آیات انفاق و صدقه قرار دارد (سوره بقره، آیات ۲۷۶ و ۲۸۰) و این قرینه است که ربای محرم چیزی است که به جای انفاق قرار می گیرد. به عبارت دیگر، آنجا که باید انفاق شود و دستگیری صورت بگیرد، اگر مسلمان چنین نکند و زیاده بگیرد، ریاست و این همان ربای استهلاکی است، و الا ربای انتاجی چنین نیست که در جای انفاق نشسته باشد بلکه قرض گیرنده بی نیاز است و برای سرمایه گذاری بیشتر به قرض متوسل شده است. (صانعی، ربای تولیدی، ص ۴۲).

نقد و بررسی

در مورد بیان اول باید گفت که اولاً، این اعتراض مردم که گفتند: «إنما البيع مثل الربا» یقیناً بعد از تشریح حرمت ربا بوده است؛ یعنی می گفتند بیع هم مثل ربا است، پس چرا ربا حرام شده؛ در حالی که بیع حلال است؟ معلوم می شود

حرمت ربا امر ارتکازی نبوده است، علاوه بر اینکه اگر ارتکازی هم باشد، باز با بعد از تشریح سازگار است؛ یعنی خداوند می گوید با اینکه من حرام کرده ام، باز شما مردم به ارتکاز خودتان عمل می کنید و می گوئید بیع و ربا فرقی ندارند؛ یعنی شارع ارتکاز آنان را تخطئه می کند.

ثانیاً، بر فرض که غالباً فلسفه احکام بیان شده باشد، می گوئیم اینجا بیان نشده است؛ زیرا حکم حرمت ربا تعبدی است و اتفاقاً در ذیل آیه، جمله «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» آمده و تقوا متفرع بر امر تعبدی است. نیز می توان گفت در همین جا هم حکمت را بیان کرده است؛ زیرا یکی از حکمت ها بیان عبودیت و تعبد است.

پس آیه اطلاق دارد و ربای تولیدی و استهلاکی هر دو را شامل می شود.

و اما بیان دوم نیز صحیح نیست؛ زیرا اولاً، تشویق به صدقه و انفاق و مهلت دادن به بدهکار، همان طور که با قرضهای استهلاکی می سازد، با قرض های تولیدی نیز سازگار است؛ چرا که تاجر و تولید کننده نیز گاه ورشکست می شود و در چنین موقعیتی، تشویق طلبکاران به مهلت دادن و بخشش مناسب دارد.

ثانیاً، انفاق نیز دو نوع است: یکی استهلاکی و دیگری تولیدی؛ یعنی گاه فقیر پولی را می گیرد تا مصرف کند و گاهی هم پول می گیرد تا با آن کار و کاسبی کند که در روایات این هم ذکر شده است. پس همراه شدن ربا با انفاق در آیات، دلیل بر ظهور آیات در ربای استهلاکی نمی شود.

ثالثاً، انفاق به جای ربا قرار نمی گیرد و این دو از نظر ماهیت با هم تفاوت دارند؛ چون ربا را می گیرند، ولی صدقه را می دهند. خداوند می فرماید صدقه را با اینکه می دهد و از دستش می رود، در عین حال رشد می کند، اما ربا را با اینکه می گیرد و به چنگ می آورد، از بین می رود. با این بیان، آیه ربطی به استهلاکی و تولیدی ندارد، بلکه اطلاق دارد و می فرماید ربا را از هر کسی بگیرید، از بین می رود، چه از شخص فقیر بگیرید و چه از ثروتمند؛ ولی اگر صدقه بدهید، باقی می ماند.

رابعاً، اینها دو آیه هستند: یکی مربوط به انفاق و دیگری مربوط به ربا، و این دو ربطی به هم ندارند و صرف اینکه در کنار هم هستند، ضرورت ارتباط را نمی‌رساند، بلکه در مواردی خلاف سیاق مراد است؛ مثل «الیوم اکملت لکم دینکم» که در سیاق گوشت‌های حلال و حرام آمده است، و آیه خمس که در سیاق جهاد آمده است، ولی خمس اعم از غنیمت جنگی است.

با این توضیحات ظهور این آیات در ربای استهلاکی ثابت نمی‌شود.

دلیل سوم

قدر متیقن از ادله تحریم ربا، ربای استهلاکی است: توضیح اینکه آیات و روایات تحریم، اگر چه بر اصل حرمت دلالت دارند، اما نسبت به مصداق‌ها و موارد آن اجمال دارند؛ چرا که ربا به معنای هر نوع زیاده‌ای است، ولی قطعاً هر گونه زیادتی حرام نیست. پس برخی از اقسام زیاده، حرام است و قدر متیقن از آن ربای استهلاکی است و ربای تولیدی تحت اطلاقات عقود و معاملات باقی می‌ماند و تنها ربای استهلاکی از تحت این عمومات خارج می‌شود. (صانعی،

ص ۳۲ و ۳۱ و ۴۱)

نقد و بررسی

چنان که گذشت، ربا به معنای زیادت خاص، در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته است. پس ربا علاوه بر معنای لغوی (هر نوع زیاده)، معنای اصطلاحی و عرفی خاصی داشته است و بنابراین ربا در آیات و روایات تحریم یقیناً به معنای لغوی آن به کار نرفته است؛ چنان که صاحب جواهر نیز به این نکته اشاره فرموده است (نجفی، ج ۲۳، ص ۳۳۴). بنابراین دیگر زیاده‌ها تخصصاً خارج خواهند بود.

علاوه بر این، از مطالب گذشته روشن شد که قرض‌های تولیدی نیز در آن زمان رواج داشته است، پس جایی برای گرفتن چنین قدر متیقنی باقی نمی‌گذارد.

دلیل چهارم

تعلیل ذکر شده در بعضی از ادله تحریم ربا، با ربای تولیدی سازگار نیست. توضیح آنکه سه تعلیل در ادله تحریم ربا ذکر شده است: الف) ظلم بودن ربا، ب) اکل مال به باطل ج) سبب رکود اقتصادی و تعطیل داد و ستد، که هیچ کدام از این سه علت در ربای تولیدی یافت نمی شوند.

در اینجا استدلال به هر یک از این علت ها را جداگانه توضیح می دهیم و آن را

نقد می کنیم:

الف) ظلم بودن ربا: یکی از نویسندگان، علت تشریح حرمت ربا را ظلم بودن آن و از بین رفتن عدالت اجتماعی و تکاثر ثروت در طبقه خاص و استثمار می شمارد (بجنوردی، مجموعه مقالات، ص ۲۸ و ۲۹) و از آنجا که این علت در ربای تولیدی وجود ندارد، حکم حرمت شامل آن نمی شود. خداوند در قرآن می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَمَنْ تَعَلَّوْا فَاذْنَبُوا يُحَرِّبْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِنَّ تَبَتُّمُ رُؤُوسِ أَمْوَالِكُمْ لَا تَحْظَمُونَ وَلَا تُظَلَمُونَ (سوره بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹).

در این آیات ظلم را علت حرمت ربا ذکر کرده است و این ظلم در ربای استهلاکی متصور است؛ چون کسی که برای تأمین هزینه زندگی خود نیازمند می گردد و قرض می گیرد، روشن است که گرفتن زیادی و افزودن بر مشکلات او ستم است؛ اما در قرض های تولیدی چنین نیست؛ زیرا قرض گیرنده با استفاده از سرمایه قرض دهنده به سود خوبی می رسد و دادن مقداری از سود به صاحب مال، هیچ گونه ظلمی به شمار نمی رود. (صانعی، ربای تولیدی، ص ۳۶ و ۳۷).

نقد و بررسی

اگر ظلم در این آیه علت حکم باشد، این علت در بعضی از موارد ربای

تولیدی نیز وجود دارد. شخصی که پول را برای تولید قرض می دهد، دیگر کاری ندارد که عامل سود کند یا ضرر، در هر حال، باید هم اصل پول و هم سود آن را به او برگرداند، حتی اگر ضرر کند و یا ورشکست شود و این از موارد ظلم عرفی است. بله، فقط در مواردی که سود کند و مقداری از آن را به مالک پردازد، ظلم عرفی نیست.

از طرفی دیگر، ربا در بعضی از قرض های مصرفی ظلم نیست؛ مانند شخصی که برای تغییر دکور منزل خود و یا خرید تجملات منزل قرض می گیرد و به راحتی می تواند بهره آن را هم پردازد.

این گونه نیست که هر کس که قرض ربوی می گیرد (چه استهلاکی و چه تولیدی)، ظلم ببیند، بلکه در معرض ظلم است، بنابراین «ظلم» علت نیست، بلکه حکمت غالبی است. همچنین اگر ظلم علت باشد، شارع نمی تواند ربای بین ولد و والد را جایز بشمارد؛ چون ظلم در اینجا هم صادق است. اضافه بر این، آیه فقط می گوید اگر ربا نگیرید، ظلم نکرده اید و نقیض سالبه کلیه، موجه جزئیه است یعنی نقیض آیه چنین می شود که اگر ربا بگیرید، فی الجمله ظلم در آن هست و اما اینکه علتش ظلم باشد و همیشه در آن ظلم وجود داشته باشد، ثابت نیست.

هر کس مالک بالفعل سرمایه است، سود و زیان آن هم به او تعلق می گیرد. در قرض، مالک پول را از ملکیت خود خارج می کند و به صورت دین درمی آورد و به آن وجود اعتباری می بخشد و به همین دلیل، در صورت تلف شدن آن، قرض گیرنده ضامن است؛ چون مالک اصلی عین پول، قرض گیرنده است، پس تمام سود و زیان هم از آن اوست. بنابراین اگر قرض دهنده (چه به صورت استهلاکی و چه تولیدی) بخواهد سودی را که متعلق به او نیست، بگیرد، صحیح نیست (مطهری، ص ۱۸-۲۱).

ب) اکل مال به باطل بودن ربا: خداوند یکی دیگر از علت های تحریم ربا را

خوردن اموال مردم به باطل ذکر می کند: «واخذهم الربا و قد نهوا عنه واكلهم اموال الناس بالباطل» (سوره نساء، آیه ۱۶۱)؛ زیرا ربا یکی از نمونه های خوردن مال مردم به باطل است و به تعبیر دیگر، آیه از قبیل ذکر عام پس از خاص است. بنابراین ربا از آن رو که امری باطل است، تحریم شده و بدون تردید، تنها ربای استهلاکی چنین است، لیکن ربای انتاجی و تولیدی که نقشی سازنده در اقتصاد دارد و باعث تولید ثروت در جامعه می شود، امری باطل نیست (صانعی، ربای تولیدی، ص ۴۲).

نقد و بررسی

استدلال کننده فرموده است: «ربا از آن روی که امری باطل است ...». در این خصوص باید گفت، بر فرض که این آیه مختص قوم یهود نباشد، اولاً، «باء» در آیه، یا به معنای مقابله است و یا سببیت. اگر مقابله باشد، کلمه «باطل» در آیه به معنی «هیچ» خواهد بود؛ یعنی استفاده از مالی که در ازای هیچ است، جایز نیست، و اگر سببیت باشد، کلمه «باطل» سبب خواهد بود و معنای آیه چنین می شود: استفاده از مالی که به سبب باطل به دست آمده، جایز نیست.

بنابراین در آیه، «ربا» با عنوان «باطل» نیامده است، تا بگویید «چون ربا امری باطل است، تحریم شده است»، بلکه مراد از «باطل» یا «اشترط زیاده» و یا «هیچ» در مقابل زیاده است، که هر دو، هم در ربای استهلاکی و هم در ربای تولیدی موجود می باشند، پس آیه شامل هر دو مورد می شود.

ثانیاً، بر فرض که قبول کنیم «باطل» در آیه همان ربا(زیاده) باشد، در این صورت از کجا می گوئید که قرض های تولیدی امر باطلی نیستند؟ خیلی از قرض های تولیدی باعث افزایش ثروت و بهبود وضعیت اقتصادی نمی شوند؛ پس باید بگویید هر ربای تولیدی که باعث افزایش ثروت شود، اشکال ندارد؛ در حالی که این شرط هنگام قرض دادن قابل سنجش نیست.

ثالثاً، احتمال دیگری در آیه مطرح است و آن این است که «ربا» و «اکل مال مردم به باطل» دو مسئله مستقل باشند و ربطی به هم نداشته باشند که در این صورت ذکر عام بعد از خاص نخواهد بود و ربا اصلاً مصداق اکل مال مردم به باطل نیست، بلکه خود مستقلاً حرمت دارد.

ج) سبب رکود اقتصادی بودن ربا: در روایات تحریم ربا، علل و اسبابی بازگو شده که بر ربای تولیدی منطبق نیست.

برخی از قائلان به حلیت ربای تولیدی می‌گویند یکی از ملاکات حرمت ربا استثماری بودن آن است، و در ربای متداول امروزه در بانک‌های دولتی این عنوان منطبق نیست، بلکه ربای بانکی برای این است که پول‌های سرگردان را به کار اندازند و به واسطه آن افراد به کار بیفتند و چرخ اقتصادی جهان بچرخد. (معرفت، ص ۷).
برخی از روایات، سبب تحریم ربا را رکود اقتصادی و تعطیلی داد و ستد و معاملات شمرده‌اند:

هشام بن الحکم، آنه سال أبا عبد الله (ع) عن علة تحريم الربا، فقال: أنه لو كان الربا حلالاً لترك الناس التجارات وما يحتاجون إليه، فحرم الله الربا لتنفّر الناس من الحرام إلى الحلال وإلى التجارات من البيع والشراء فيبقى ذلك بينهم في القرض (وسائل الشيعه، ج ۱۸، باب ۱ از ابواب تحريم الربا، ص ۱۲۰، ح ۸).
هشام بن حکم، درباره علت تحریم ربا از امام صادق (ع) پرسید. فرمود: اگر ربا حلال بود، مردم، داد و ستد و معاملات را رها می‌کردند. خداوند آن را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال و به سوی داد و ستد، سوق داده شوند.
همچنین زراره از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود:

إتّما حرم الله عزوجل الربا لئلا يذهب المعروف؛ [وسائل الشيعه، ج ۱۸، ص ۱۲۱، باب ۱ از ابواب تحريم الربا، ح ۱۰].
همانا خداوند عزوجل ربا را تحریم کرد تا معروف از میان نرود.

روشن است که ربای تولیدی، نه تنها سبب رکود اقتصادی نیست، بلکه آن را رونق می‌بخشد و به تولید کمک می‌کند. (صانعی، ربای تولیدی، ص ۴۲-۴۴)
نقد و بررسی

روایاتی که علت تحریم ربا را بیان می‌کنند، چند دسته‌اند:
دسته اول، روایاتی است که از بین رفتن تجارت و فعالیت اقتصادی را به عنوان دلیل ذکر می‌کنند که روایت هشام بن حکم از آن دسته است.

ذیل این روایت که فرموده: «فیسقی ذلک بینهم فی القرض ...»، شاهد بر حرمت ربای تولیدی است؛ چون به این معناست که، این ثمرات در قرض باقی می‌ماند. پس اصل قرض دادن اشکال ندارد؛ چون باعث از بین رفتن داد و ستد نمی‌شود؛ اما قرض با اشتراط زیاده باعث از بین رفتن داد و ستد می‌شود، چه قرض تولیدی باشد، چه استهلاکی؛ چون شخص ربا خوار حتی در ربای تولیدی دنبال تجارت نمی‌رود و فقط از طریق زیاده ارتزاق می‌کند.

دسته دوم، روایاتی است که علت تحریم ربا را ذهاب (از بین رفتن) معروف می‌شمارد:

۱. وعنه، عن احمد بن ابی عبدالله، عن عثمان بن عیسی عن سماعة، قال: قلت لأبی عبدالله(ع): إني رأيت الله تعالى قد ذكر الربا في غير آية وكرهه، قال: أو تدري لم ذلك؟ قلت: لا، قال: لئلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف.
۲. وعن علی بن إبراهيم عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبدالله(ع)، قال: إنما حرم الله عز وجل الربا لكيلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف.
۳. و باسناده عن هشام بن سالم، عن أبي عبدالله(ع) قال: إنما حرم الله الربا كيلا يمتنعوا من صنایع المعروف.

۴. وباسناده عن محمد بن عطية عن زرارة عن أبي جعفر (ع)، قال: إنما حرم الله عز وجل الربا لئلا يذهب المعروف (وسائل الشيعه، ج ۱۸، باب ۱ از ابواب الربا، ح ۳، ۴، ۹ و ۱۰ به ترتیب).

یک مصداق کار نیک، قرض الحسنه است؛ چنان که در روایتی آمده است: «والقرض صنایع المعروف» (همان، ح ۸)، و نوع دیگر آن تجارت است که موجب رفع نیازهای مردم می شود، اما ربا مانع از کارهای پسندیده مالی می شود. این تعلیل مانند تعلیل سکر آور بودن برای حرمت خمر نیست که در هر فردی از آن این علت وجود داشته باشد. از این رو، کسی که یک بار رباخواری می کند، باعث ذهاب معروف نمی شود، بلکه رباخواری، زمانی جلو کارهای معروف را می گیرد که رایج شود؛ چون باعث می شود که مردم برای گرفتن سود بیشتر طمع بورزند و به سوی قرض دادن و تجارت نروند و دیگر کسی قرض مجانی ندهد.

این تعلیل در همه انواع ربا وجود دارد، چه تولیدی باشد چه غیر تولیدی. از این رو، حضرت امام (قدس سره) حیله های شرعی را جایز نمی دانند؛ چون اگر این حیله ها جایز باشد، مردم قرض الحسنه نمی دهند.

اگر بگویید: در ربای تولیدی کار خیر وجود دارد، چون باعث رشد اقتصادی می شود، می گوئیم: در ربای استهلاکی نیز کار خیر وجود دارد؛ چون باعث نجات انسان از هلاکت می شود. بنابراین روایت به صورت کلی می گوید که اگر ربا رواج پیدا کند، مردم کار معروف انجام نمی دهند.

دسته سوم، روایاتی است که فساد و فتنای اموال را علت تحریم ربا می دانند:

یاسناده عن محمد بن سنان عن علي بن موسى الرضا (ع) كتب إليه في ما كتب من جواب مسأله: و علة تحریم الربا لما نهی الله عز وجل عنه، ولما فيه من فساد الاموال، لأن الانسان إذا اشتری الدرهم بالدرهمین، كان ثمن الدرهم درهماً و ثمن الآخر باطلاً، فبیع الربا و شراؤه و كس علی كل حال، علی المشتري و علی

البایع، فحرم الله عزوجلّ على العباد الربا لعلّة فساد الاموال، كما حظر على السفیه ان يدفع إليه ماله، لما يتخوفّ عليه من فساد حتى یؤنس منه رشد، فلهذه العلّة حرّم الله عزوجلّ الربا، وبيع الدرهم بالدرهمین و علة تحريم الربا بعد البینة لما فيه من الاستخفاف بالحرام المحرم، و هی كبيرة بعد البیان و تحريم الله عزوجلّ لها، لم یکن إلاّ استخفافاً منه بالمحرم الحرام، والاستخفاف بذلك دخول فی الکفر، وعلّة تحريم الربا بالنسيئة لعلّة ذهاب المعروف، وتلف الاموال، و رغبة الناس في الربح، و تركهم القرض، والقرض صنائع المعروف، ولما في ذلك من الفساد والظلم وفناء الاموال(همان، ص ۱۲۱، ح ۱۱).

با توجه به صدر روایت، فساد اموال یعنی اینکه شخصی مبلغی را پردازد، بدون اینکه چیزی در مقابل آن بگیرد. بدین جهت، مالش فاسد می شود و از بین می رود. این نکته در ربای تولیدی نیز وجود دارد؛ چرا که زیاده و سودی که می پردازد، عوض و ما به ازا ندارد.

برای توضیح بیشتر باید گفت که در ربای تولیدی، سه حالت برای قرض گیرنده متصور است: یا در این فعالیت اقتصادی خود سود می کند، یا متحمل ضرر می شود و یا سود و زیانی نمی کند. در صورت دوم و سوم، پرداخت سود پول به قرض دهنده، روشن است که عوض و ما به ازایی ندارد و در صورت اول نیز درست است که سود کرده است، ولی این سود عوض و ما به ازای ربایی که می دهد، نیست؛ زیرا هنگام گرفتن قرض معلوم نیست به طور قطع سود خواهد کرد یا نه، حتی اگر به زعم خود یقین به سود داشته باشند، باز سود قطعی نیست، چرا که در فعالیت اقتصادی عوامل بسیاری دخیل اند که قابل پیش بینی نیستند.

نتیجه اینکه فساد اموال، ظلم، ذهاب معروف و از بین رفتن تجارتات به عنوان علل تحریم ربا ذکر شده اند که همه اینها هم در ربای استهلاکی و هم در ربای تولیدی وجود دارند. پس خود این روایات دلالت بر تعمیم و اطلاق دارند.

دلیل پنجم

دلیل پنجم آن است که سیره عقلا بر حلّیت ربای تولیدی دلالت دارد. می‌توان گفت سیره عقلا بر حلّیت ربای انتاجی و تولیدی دلالت دارد و شارع از آن ردّ نکرده است و این خود، می‌تواند شاهی بر حلّیت باشد. همچنین نباید گفت این سیره تا زمان شارع، امتداد نداشته، تا عدم ردّ آن کاشف از امضا باشد؛ زیرا در معاملات که مبنایش امضاست نه تأسیس، عدم ردّ شارع، برای امضا کفایت می‌کند (صانعی، ربای تولیدی، ص ۴۵-۴۶).

نقد و بررسی

اولاً، چنین سیره‌ای وجود ندارد و اثبات آن نیازمند دلیل است.

ثانیاً، بر فرض تحقق سیره، این سیره در صورتی حجت است که متصل به زمان معصوم (ع) باشد تا عدم ردّ آن امضا محسوب شود و تأسیس نبودن معاملات، به این معنا نیست که هر معامله‌ای که بعد از زمان معصوم به وجود بیاید نیز در صورت عدم ردّ صحت آن ثابت شود. پس باید قبل از زمان معصوم یا در زمان معصوم، این سیره وجود داشته باشد؛ در حالی که طبق نظر ایشان، ربای تولیدی در زمان معصوم (ع) رایج نبوده است، نه خودش سیره بوده و نه ارتکازش^۳، پس امضایی و تأسیسی بودن ربطی به این بحث ندارد.

به عبارت دیگر، در این استدلال، نوعی تناقض هست؛ چرا که در بحث‌های

۳. اگر ارتکاز هم باشد، کافی است؛ مثلاً در زمان معصوم (ع) تحجیر بوده و شارع آن را امضا کرده است، و لکن بعضی از مصادیق آن وجود داشته است، مانند سنگ چین و... این یکی از موارد بنای عقلاست که تحجیر را یکی از اسباب ملکیت می‌دانسته‌اند و الآن تحجیر صورت‌های جدیدی پیدا کرده است، مثلاً با نورافکن حدود زمین را مشخص می‌کنند، و لکن اصل ارتکاز آن پیشتر بوده و شارع هم اصل ارتکاز را امضا کرده است، پس شامل تمام مصادیق آن می‌شود، حتی مصادیق جدید، اما در مانحن فیه، نه تنها ارتکاز آن در زمان شارع نبوده، بلکه ارتکاز برعکس - یعنی حرمت ربا خواری - بوده است.

قبل فرمود ربای تولیدی در زمان معصوم رایج نبوده است، بلکه از مختصات زندگی امروزی است، اما در اینجا می فرماید سیره عقلا دلالت بر حلّیت ربای تولیدی می کند؛ در حالی که این دو مطلب قابل جمع نیست. سیره عقلا در صورتی سیره می شود که رواج داشته باشد و با امر نادر، سیره تحقق نمی یابد. پس اگر ربای تولیدی طبق بیان ایشان در آن زمان رواج نداشته است، چگونه سیره تحقق یافته است؟

ثالثاً، برای ردع دلیل داریم؛ چون بعضی از روایاتی که گذشت، حرمت ربای تولیدی را ثابت می کرد. پس دلیل بر ردع هست، حتی اگر شک داشته باشیم که آیات و روایات اطلاق دارند یا نه، احتمال اطلاق برای ردع کافی است؛ یعنی همین که احتمال بدهیم آیات یا روایات دال بر حرمت صادر شده باشند، کافی است بگوییم عدم ردع ثابت نیست.

در سیره عقلا دو مبنا وجود دارد: یکی اینکه برای استدلال به سیره، باید اثبات کنیم که شارع آن را ردع نکرده است؛ یعنی «عدم الردع» نیاز است. دیگری اینکه «عدم علم به ردع» کافی است؛ یعنی همین که ندانیم ردع شده است یا نه، کفایت می کند. اگر در اینجا اولی منظور باشد - چنان که مقرر محترم به اشتباه از آیت اللّه صانعی نقل کرده است - به راحتی می توان جواب داد که با وجود احتمال اطلاق آیات و روایات نسبت به ربای تولیدی و استهلاکی، نمی توان عدم ردع را ثابت کرد. ولی اگر دومی منظور باشد، این جواب کفایت نمی کند. البته منظور آیت اللّه صانعی دومی بوده است؛ چون که در درس خارج خود تصریح می کند:

... احراز رضایت و عدم ردع می خواهیم یا عدم الجزم بالردع؟ کافی است صاحب کفایه در بحث حجیت خبر واحد در ذیل آیات ناهیه از ظن، مدعی است که عدم علم به ردع کفایت می کند... در ما نحن فیه هم چون

نمی دانیم ردع شده یا نه، پس (عدم علم به ردع ثابت است.) بنابراین ربای انتاجی (به کمک سیره عقلا و عدم علم به ردع آن) صحیح است.^۴

جواب این بیان ایشان نیز از گفته های قبلی معلوم می شود؛ زیرا چنان که گفتیم، اولاً چنین سیره ای وجود ندارد. ثانیاً، عدم علم به ردع وقتی معنا دارد که خود موضوع سیره، در آن زمان وجود داشته باشد؛ در حالی که طبق بیان ایشان، ربای تولیدی از مختصات زندگی پیشرفته امروزی است. ثالثاً، ما علم به ردع داریم؛ چون روایات خاصی در مورد حرمت ربای تولیدی وجود دارد که آنها را بررسی کردیم.

نتیجه بحث: هیچ یک از ادله جواز ربای تولیدی کافی نیست و با استناد به آیات و روایاتی که گذشت، می توان اثبات کرد که ربای تولیدی در عصر نزول هم وجود داشته و اطلاق ادله تحریم ربا، شامل آن می شود و ادعای انصراف این ادله به ربای استهلاکی مسموع نیست و جایی برای اخذ به قدر متیقن نمی ماند.

آیه «أحلَّ اللهُ البیع و حرَّم الربا» و نیز کنار هم آمدن آیات تحریم ربا و آیات انفاق و صدقه، مدعای آنها را ثابت نمی کند؛ چرا که تشویق به صدقه و انفاق و مهلت دادن به بدهکار، همان طور که با قرض های استهلاکی می سازد، با قرض های تولیدی نیز سازگار است.

تعلیل های ذکر شده در بعضی از روایات تحریم ربا نیز علاوه بر اینکه احتمال دارد حکمت باشند، دارای نکاتی هستند که نمی توان ادعا کرد فقط شامل ربای تولیدی می شوند.

ادعای وجود سیره عقلا بر حلّیت ربای تولیدی نیز تام نیست؛ زیرا بر فرض تحقق این سیره، در صورتی حجت است که متصل به زمان معصوم (ع) باشد و ردعی هم وجود نداشته باشد؛ در حالی که آیات و روایاتی بر ردع آن داریم.

بنابراین قرض ربوی چه به صورت استهلاکی و مصرفی و چه به صورت تولیدی، از نظر اسلام حرام است.

۴. متن پیاده شده از درس خارج فقه، از تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱، جلسه های ۱۰ تا ۱۵.

فهرست منابع

۱. اردبیلی: مجمع الفائدة والبرهان، منشورات جامعه مدرسین، قم.
۲. الجوهری: الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت، ج ۴، ۱۴۰۷/۱۹۸۷ م.
۳. المصری، رفیق یونس: الجامع فی أصول الربا، دارالقلم، دمشق، ط ۲، ۱۴۲۲.
۴. المصری، رفیق یونس: ربا القروض و أدلة تحريمه، دمشق، ط ۱، ۱۴۲۱، ۲۰۰۱ م.
۵. المصری، رفیق یونس: مصرف التنمية الاسلامي، بیروت، ط ۳، ۱۴۰۷.
۶. بحرانی: الحدائق الناضرة، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم.
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشيعة، مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۲، قم، ۱۴۱۴.
۸. رشید رضا، سید محمد: تفسیر المنار، دار المنار، مصر، ط ۴، ۱۳۷۳ هـ، ۱۹۵۴ م.
۹. زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی): مسالک الافهام، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ج ۱، قم، ۱۴۱۳.
۱۰. شلتوت، محمود: الفتاوى، القاهرة، ط ۴، ۱۴۲۱ هـ، ۲۰۰۱ م.
۱۱. صانعی، آیت الله یوسف: فقه و زندگی ۱ ربای تولیدی: برگرفته از نظریات فقهی آیه الله صانعی، مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین، قم، ج ۲، زمستان ۱۳۸۳.
۱۲. صانعی، آیت الله یوسف: متن پیاده شده از نوار درس خارج فقه از تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۱ مطابق با ۱۳ رمضان ۱۴۲۰، جلسه های ۱۰ تا ۱۵.
۱۳. طوسی: الخلاف، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم، ۱۴۰۷.

- ۱۴ . فراهیدی، خلیل: کتاب العین، مؤسسه دارالهجرة، چ ۲، ۱۴۰۹ .
- ۱۵ . کرکی، محقق: جامع المقاصد، چ ۴، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، چ ۱، ۱۴۰۸ .
- ۱۶ . مجموعه مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، سخنرانی آیت الله بجنوردی، مؤسسه عالی بانکداری، تهران، ۱۳۷۷ ش .
- ۱۷ . مطهری، مرتضی: مسئله ربا و بانک به ضمیمه مسئله بیمه، انتشارات صدرا، تهران، چ ۱۱، خرداد ۱۳۸۰ .
- ۱۸ . مطهری، مرتضی: یادداشت‌های استاد مطهری، چ ۴، انتشارات صدرا، تهران، چ ۲، خرداد ۱۳۸۲ .
- ۱۹ . معرفت، آیت الله محمد هادی: مصاحبه در روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۷، صفحه ۷ معارف اسلامی .
- ۲۰ . موسویان، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۸، ص ۳۵-۶۲، مقاله «ربا در قرضهای تولیدی و تجاری» .
- ۲۱ . نجفی، محمد حسن: جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چ ۳، پاییز ۱۳۶۷ .
- ۲۲ . نیکویی (کرمانشاهی) مهدی: نقد و بررسی نوآوریهای فقهی معاصر (ربای تولیدی)، آثار امین، قم، چ ۱، ۱۳۸۵ .